

بخش هایی از کتاب مطلع مهر

تالیف دکتر بانکی پور

➤ احادیثی در مورد اهمیت ازدواج

بهره مومن

مومن پس از تقوای الهی، بهره ای بهتر از همسر شایسته نبرده است. پیامبر اکرم (ص)

بهرتر از کل دنیا

امام کاظم(علیه السلام): مردی خدمت پدرم، جعفر(علیه السلام) آمد. پدرم فرمود: «آیا همسر داری؟» گفت: خیر. فرمود: «من دوست ندارم که دنیا و هر آنچه در آن است، از آن من باشد؛ ولی یک شب را بی همسر بگذرانم».

تضمین یاری خداوند

هر که به منظور پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند. پیامبر اکرم (ص)

توسعه معیشت

مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و از فقر و نداری شکایت نمود. پیغمبر به او فرمود: برو ازدواج کن. وی رفت و مطابق دستور رسول خدا عمل کرد و در نتیجه روزی و معیشتش فراخ گردید.

رحمت آسمانی

در چهار هنگام درهای رحمت آسمان گشوده می شود : و در هنگام ازدواج کردن پیامبر اکرم (ص)

بهرتر از روزه داری و شب زنده داری

شخص متاهل هرچند در حال خواب و استراحت باشد نزد خدا با فضیلت تر از شخص روزه دار و شب زنده داری است که عزب و مجرد زندگی میکند.

پیامبر اکرم (ص)

جدایی از پیامبر

هرکس توان مالی برای ازدواج داشته باشد و ازدواج نکند از ما نیست. پیامبر اکرم (ص)

➤ هدف از ازدواج

اگر فلسفه ازدواج برای ما مشخص شد معیارهای ما برای انتخاب همسر همان معیاری می شود که ما را به آن مقصود نزدیک می سازد و معیارهایی که با مقصود اصلی ما از ازدواج ارتباط ندارد از فهرست ملاک و معیارها حذف می شود، هر چند آن معیارها

از نظر ارزش و محتوا نکات خوب و ارزشمندی باشد. باید آنها را از فهرست خود خارج سازیم تا زودتر به نتیجه برسیم. مثلاً اگر جوانی بگوید من می‌خواهم با کسی ازدواج کنم که در سیر و سلوک به فلان مرحله رسیده باشد اگر به او بگوییم آیا تو همسر می‌خواهی یا مرشد، پاسخ می‌دهد چه اشکالی دارد که همسر انسان مرشد او باشد؟!

این جوان باید بداند که هر چه ملاک‌ها را متفاوت و متنوع کند و انتظارات خود را افزایش دهد به نتیجه درستی نرسد. بطور مثال اگر کسی بگوید من همسری می‌خواهم که بتواند در زمینه‌ی کاری کمک کار من باشد مثلاً چون من مهندس عمران هستم همسری می‌خواهم که رشته‌اش کامپیوتر باشد زیرا او می‌تواند با طراحی کامپیوتری خود همکار خوبی برای من باشد. حال اگر این همسر بعد از ازدواج نتواند همکار خوبی برای او باشد تکلیف چیست؟! آیا در ادامه‌ی زندگی با او تجدید نظر می‌کند؟! آیا خللی در تداوم زندگی مشترک او بوجود نخواهد آمد؟!

مقصود اینکه در انتخاب همسر امور دیگر را دخیل نکنید! مسائل زناشویی، به همکاری و مسائل جانبی دیگر که همسران ممکن است با آن به شما یاری برساند ربطی ندارد. هرچه ملاک و معیارها ی ما در انتخاب همسر بیش تر شود ضریب خطای ما نیز در این انتخاب بیش تر می‌شود. پس هر معیاری که ربطی به ازدواج ندارد را از فهرست معیارهای خود خارج کنید. بحمدالله قران کریم فلسفه‌ی ازدواج را برای ما روشن کرده است. قران ما را از سردرگمی در این خصوص رهایی می‌بخشد و آن فلسفه، یک جمله بیش تر نیست «لتسکنوا الیها» ازدواج فقط یک هدف را دنبال میکند و آن آرامش و تسکین آدمی است.

بنابراین تمام ملاک و معیارهایی که برای خود فهرست کرده اید باید خرج این هدف شود که شما را به آرامش برساند. هر معیاری که آرامش بیش تر را برای شما تضمین کند باید بیش تر مورد توجه قرار گیرد و شما باید اولویت را به آن معیار بدهید و هر معیاری که با آرامش شما در تناقض بود باید حذف شود. با این جمله تکلیف روشن است. باید ببینید آیا با فردی که می‌خواهید به همسری برگزینید به آرامش می‌رسید یا نه؟! باید تمام معیارها را از این دریچه بنگرید. یعنی خصوصیات روحی، فکری، جسمی، اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی را از دریچه‌ی آرامش بنگرید.

➤ برخی از شرایط اولیه ازدواج

بلوغ اشد

در قران کریم در مبحث ازدواج از اصطلاح «بلوغ اشد» استفاده شده است. هنگامی که از واژه بلوغ سخن به میان می‌آید، به ذهن ما بیش تر بلوغ جنسی خطور می‌کند که در دوران ما در پسران در حدود سنین ۱۲ و ۱۳ سالگی اتفاق می‌افتد. لازم به توضیح است مقصود از سن بلوغ، سن تکلیف نیست. البته هر کس به بلوغ برسد حتماً به تکلیف هم رسیده است ولی هرکس به تکلیف رسید معلوم نسبت به بلوغ جنسی رسیده باشد. اغلب دختران در سن ۹ سالگی به تکلیف میرسند ولی سن بلوغ جنسی آنان هنوز شروع نشده است. برای این دختران از نظر شرعی انجام واجبات واجب است هر چند بلوغ جنسی در آنان رخ نداده است. پسران هم در دوران

ما خیلی زودتر از سن ۱۵ سالگی قمری به بلوغ جنسی میرسند در حالی که یکی از اشتباهات خانواده ها این است که تکلیف پسران خود را در همان سن ۱۵ سالگی می دانند در صورتی که اغلب پسران دو سال زودتر به تکلیف رسیده اند زیرا به بلوغ رسیده اند.

«بلوغ اشد» صرفاً بلوغ جنسی نیست هر چند بلوغ جنسی شرط لازم برای بلوغ اشد است و هنگامی بلوغ به تعبیر قرآن کریم بلوغ اشد می شود که فرد به حدی از بلوغ روانی و عقلی نیز رسیده باشد. اینچنین نیست که اگر کسی به بلوغ جنسی برسد همان لحظه هم به بلوغ روانی و اجتماعی و عقلی برسد. دختران بطور متوسط در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی به این بلوغ اشد راه می یابند و پسران ما معمولاً در سن ۲۱-۲۲ سالگی به این بلوغ میرسند. بلوغ اشد مجموعه ای از بلوغ های جنسی، روانی، اجتماعی و عقلی است که هر یک شاخص مخصوص خود دارند بطور مثال شاخص بلوغ جنسی رشد قوه ی قریضه ی جنسی است و بسیار واضح و روشن است که این حس در پسران و دختران بر اثر عوامل فیزیولوژیکی بروز می کند و در این مسئله کسی تردیدی ندارد. اما از مشکلاتی که در خصوص شناسایی این نشانه ها در جوانان در جامعه ی کنونی ما وجود دارد این است که محرک های بلوغ جنسی در جامعه زیاد شده است. این محرک ها اعم از محرک های غذایی، ارتباطی، تصویری و... رو به افزایش است و از این رو متأسفانه شاهد بلوغ زودرس جنسی جوانان در سنین پایین شده ایم در حالی که متأسفانه سن رشد و بلوغ عقلی و اجتماعی آنان کاهش نیافته است و به عبارتی دیگر باید گفت: میان بلوغ جنسی جوانان با بلوغ عقلی و اجتماعی آنان فاصله ی زیادی است. بطور مثال نوجوان در ۱۲ سالگی در جامعه ی کنونی به بلوغ جنسی می رسد ولی تا ۲۲ سالگی هنوز به بلوغ عقلی راه نمی یابد و بدیهی است تا جوان به بلوغ فکری و عقلی نرسد زمینه ی ازدواج در او فراهم نمی گردد. این بلوغ جنسی زودرس عواقب خطرناکی را برای جوانان ما بوجود می آورد که از جمله ی آن ها بحران های روانی و اختلالات رفتاری این جوانان است.

متأسفانه بعضی در همین حالات بحرانی توصیه ای غیر منطقی و جاهلانه برای بهبود اوضاع روانی آنان می نمایند که به او زن بدهید تا حالش بهبود پیدا کند یا اینکه زود شوهرش بدهید تا حالش خوب شود. در حالی که این دختر یا پسر در حال حاضر اصلاً در وضعیت عادی و طبیعی از نظر فکری قرار ندارد و گاهی شرایط را با تصمیم نابه جا برای او سخت تر و شدیدتر می کنند.

۱. بلوغ جنسی

- لازم است پیرامون تغییرات جنسی و جسمی و بهداشت و احکام مربوط به آن اطلاعات کافی داشته باشید.

۲. بلوغ عقلی

بلوغ عقلی با تحصیلات علمی فرق دارد! چه بسا کسانی که از نظر علمی رشد کرده اند ولی عقلانیت آنها رشد نکرده است! چنانکه در روایت آمده است: "چه بسا عالمی که جهلش او را کشته است" چه بسا دانشجویی که در فراگیری علم از بهره هوشی بالایی هم برخوردار باشد در المپیادهای مختلف رتبه های بالا کسب کرده باشد ولی از عقل کافی برخوردار نباشد.

پسر و یا دختری که نمی داند با بزرگترها چگونه صحبت کند و ادبیات سخنان او با افراد مختلف یکسان باشد و نحوه سخن گفتن با یک خانم پنجاه ساله و یا با یک خانم ۳۰ ساله را نداند، این فرد آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج را پیدا نکرده است. جوانی که

نداند در یک محل عمومی چگونه باید سخن بگوید و سخن گفتن او در یک محفل خصوصی و با یک جمع عمومی یکسان باشد، به بلوغ عقلی نرسیده است.

اگر خواستگاری – هر چند مومن- به منزل شما آمد، اگر او را عاقل تشخیص ندادید به او پاسخ مثبت ندهید. مقصود از عاقل بودن، دیوانه بودن آن فرد نیست بلکه به معنای اصطلاحی، اگر در رفتار هایش و سخن گفتنش استنباط عاقل بودن نکردید، با او ازدواج نکنید زیرا بسیاری از اختلافاتی که پس از ازدواج پیش می آید و برخی به طلاق منجر می شود از همین عامل سرچشمه می گیرد. عقلانیت با خواندن کتاب و مطالعه به دست نمی آید که به جوانی بگوییم چند سال درس بخوان و یا مثلاً یک دور کتاب های شهید مطهری را بخوان تا عاقل شوی. عقل یعنی اینکه تصمیم بگیری عاقل باشی و سنجیده رفتار کنی. باید در روابط اجتماعی دیگران تامل کنیم و آنچه از دید عموم بزرگان ناشایست جلوه می کند و زننده است را ما انجام ندهیم. در رفتار خود توجه کنیم و عیوب خود را بشناسیم و در رفع آن بکوشیم.

خلاصه ی کلام اینکه ازدواج نیاز به زمینه هایی عقلانی و رفتار اجتماعی دارد. بنابراین اگر جوانی بلوغ عقلانی داشته باشد به محض بروز اختلاف بین او و همسرش آن تفاوت و اختلاف دیدگاه و مشکلی که برایشان پیش آمده را به اطلاع مادر و پدرش نمی رساند. انسان عاقل در چنین شرایطی از گسترش اختلاف جلوگیری می کند.

در این زمینه به نکات زیر توجه کنید:

- برای رهایی از تزلزل و وابستگی در تصمیم گیری، شروع کردن از تصمیم های کوچک راهی منطقی به نظر می رسد.
- وقتی می بینی از دیگران انتظاراتی داری که قادر به برآوردنش نیستند، احتمال بده که شاید بعضی از انتظارات نامعقول باشند، پس سعی کن آنها را متعادل و منطقی سازی.
- پافشاری بر افکار و اجازه ی شنیدن نظرات دیگران را به خود ندادن می تواند بیانگر عدم رشد عقلانی باشد.
- دیگران از یک فرد عاقل و بالغ انتظار دارند پاسخ قابل قبول و قانع کننده ای در قبال رفتارها و کردار هایش داشته باشد.
- برای بالا بردن توان سازگاری ات خودت را به جای دیگران بگذار و ببین در چنان موقعیتی تو چه می کردی، آنگاه است که آنها را درک می کنی و میتوانی با دیگران کنار بیایی.

نکته پایانی: عقل به کمال نمی رسد جز از راه پیروی حق امام حسین (ع)

۳. بلوغ عاطفی

- ۱- اگر بتوانید احساسات غیرمعقول و کودکانه را کنار بگذارید و به جای آن عاقلانه و منطقی رفتار کنید، رشد عاطفی لازم را دارا هستید.
- ۲- اگر با یک بحث جزئی زود عصبانی می شوید بدانید زندگی مشترک هم خالی از این مشکلات نخواهد بود پس بهتر است در رفتارتان تجدید نظر کنید.

- ۳- یادمان باشد شرکت در کارهای گروهی، حس همدلی و همکاری ما را پرورش می دهد که در نهایت باعث رشد شخصیت عاطفی مان میشود.
- ۴- خوب است تمرین کنیم گاهی از خطای دیگران بگذریم و چشم پوشی کنیم در این صورت علاوه بر حفظ روابط خود، به آرامشی زیبا نیز خواهیم رسید.
- ۵- گاهی انعطاف پذیری فرد در مقابل خواست دوستان، خانواده و اطرافیان توان سازگاری او را بالا برده و تمرینی است جهت یادگیری و گذشت در زندگی مشترک
- ۶- اگر شما در ابراز احساسات به دیگران دچار مشکل هستید، بهترین تمرین این است که در بیان احساسات قلبی خود از نزدیک ترین افراد خانواده تان شروع کنید.
- ۷- ابراز احساسات افراطی را نشان رشد عاطفی ندانیم و در نظر داشته باشیم که در چه زمان و در کجا و نسبت به چه کسی احساسات را بروز می دهیم.

۴. بلوغ اجتماعی

- مسئولیت پذیری را ابتدا از یک محیط کوچک مانند خانه شروع کنید. (خرید برای خانه توسط پسران و رسیدگی به امور خانه توسط دختران)
- روی آوردن به اجتماع و قبول مسئولیت های اجتماعی (چه کوچک و چه بزرگ) مانند شرکت در اجتماعات سالم، قبول مسئولیت در محیطی غیر از خانه، دوست یابی، اظهار نظر کردن در مورد نظرات دیگران و اتفاقات روزانه جامعه، از شاخص های رسیدن به این بلوغ است.
- آهسته آهسته از وابستگی و تعلق خود به خانواده بکاهید. تعامل با اجتماعات متفاوت ولی مطمئن و پذیرش مسئولیت هایی در این باب می تواند در این زمینه راه گشا باشد.
- اگر شما تنها به خود و خواسته هایتان فکر میکنید و توانایی ایجاد ارتباط با دیگران را ندارید و هنوز خود را ملزم به رعایت حقوق افراد نمیدانید، نیاز به تمرین بیشتری در این زمینه برای اجتماعی شدن دارید.

۵. بلوغ فرهنگی

- به یاد داشته باشید یکی از مشکلات عمده ای که اکثر زوج های جوان با آن دست و پنجه نرم می کنند نداشتن بلوغ فرهنگی است.
- تصور اینکه هر چه تحصیلات بیشتر باشد بلوغ فرهنگی فرد بیشتر است، تصور غلطی است. تحصیلات در بلوغ فرهنگی فرد اثرگذار و لازم است اما کافی نیست.
- بسیاری از آداب و رسوم غلط و آسیب های خانوادگی و اجتماعی والدین و خود فرد شاید راه رسیدن به بلوغ فرهنگی را دشوار کند، اما مانع رسیدن فرد به بلوغ فرهنگی نمی شود و حتی می تواند برای تشخیص بهتر و درست تر کمک کند.

- بلوغ فرهنگی باعث می شود فرد هنگام ازدواج قدرت تشخیص درست از غلط را داشته باشد و بدون تعصب نسبت به اداب و رسوم غلط خانوادگی و فامیلی تصمیم گیری کند.
- شاید بهترین نتیجه ی رسیدن به بلوغ فرهنگی دوری گزیدن از صفات اخلاقی منفی از جمله: بد زبانی- کج خلقی - کینه توزی- بی ادبی- بی انضباطی- هرزگی و روی آوردن صفات اخلاقی مثبت از جمله انعطاف پذیری - حق پذیری- حسن ظن و.... باشد.

۶. توانمندی اقتصادی

یکی دیگر از شرایط ازدواج که لازم است جوانان بویژه آقایان آن را کسب کنند، توانمندی اقتصادی است و مقصود از این توانمندی آن است که فرد بتواند به خوبی و در حد متعارف زندگی خود را اداره کند و باید دخترخانم ها دقت داشته باشند که مقصود ما از توانمندی اقتصادی ، توانمندی بالقوه است. یعنی توانایی اداره خانواده را داشته باشد و کافی است تنها بخشی از این توانمندی به فعلیت رسیده باشد. یعنی آقایی که قصد تشکیل خانواده دارد باید بتواند در حد مخارج زندگی خود تا حدودی استقلال داشته باشد و کاملاً متکی به پدر و اموال او نباشد. مثلاً اگر در ماه با فعالیتی معادل ۱۵ ساعت مبلغی را کسب می کند، هنگام خواستگاری مطرح کند که من می توانم ساعات فعالیتم را به دو برابر یعنی ۳۰ ساعت افزایش دهم و درامدم را دو برابر و بیشتر کنم. او باید گوشه ای از فعالیت و توانمندی خود را به نمایش گذاشته باشد و بدیهی است تا وارد عرصه ی فعالیت نشده باشد، هر وعده ای بدهد جز تخیلات چیز دیگری نیست.

وقتی خانواده ی دختر ، همچنین پسر چنین زمینه هایی را در این آقای جوان مشاهده کردند، باید برای شکل گیری ازدواج او همت گمارند. انتظار نداشته باشند همین الان به قله برسند. مقصود اینکه جوان تجربه ی درآمد و استقلال در هزینه کردن خویش را داشته باشد تا بتواند طرح های اقتصادی خود را به اجرا درآورد یعنی با تجربه ای که به دست آورده است محاسبه کند که آیا اگر ازدواج کند و پس از یک سال دوران عقد هم به این شکل ادامه دهد، آیا توانمندی ازدواج را پیدا خواهد کرد یا نه؟ خانواده های طرفین نیز توانمندی او را بپذیرند و انتظار نداشته باشند او کاملاً مستقل باشد .

به نکات زیر توجه کنید:

- توانمندی اقتصادی در ازدواج این است که فرد بالقوه توانایی داشته باشد که اگر زندگی مشترک تشکیل داد بتواند اداره کند و بخشی از این توانایی به ظهور رسیده باشد .
- رسیدن به بلوغ اقتصادی صرفاً مربوط به پسران نمی شود؛ بلکه دختران هم باید مدیریت و برنامه ریزی مخارج را بلد باشند تا بتوانند زندگی همراه با پیشرفت آرامش و دوری از فقر مادی و روحی داشته باشند.
- بهانه هایی همچون ادامه ی تحصیل سربازی و ... هرگزمانعی برای رسیدن به بلوغ اقتصادی نیست. چون میتوان از طریق مشغول شدن به مشاغل پاره وقت(ترجیحاً مرتبط با استعداد و رشته تحصیلی) به داشتن پس انداز و آشنایی با بازار کار و عوامل آن رسید.

- برای رسیدن به بلوغ اقتصادی باید به حداقل های عرفی رسیده باشید. یعنی در پی کم کردن وابستگی اقتصادی خود از خانواده باشید و درآمد حداقلی برای خود داشته باشید.

- برای آینده خود برنامه ریزی و طرح اقتصادی داشته باشید. یعنی نسبت به سوال هایی از قبیل روش کسب درآمدتان چیست؟ چه میزان پس انداز میتوانید داشته باشید؟ امکان تهیه ی مسکن برای زندگیتان (خرید یا اجاره) چه زمانی محقق می شود؟ جواب روشنی داشته باشید.

- هرچه زودتر به حد معقولی از توانایی اقتصادی برسید زودتر شرایط برای ازدواجتان فراهم می شود و قدرت انتخاب بالاتری خواهید داشت.

- برنامه ریزی اقتصادی امروز باعث می شود که فردایی داشته باشید که دخل و خرج را همراه با در نظر گرفتن رفاه همسر و خانواده تنظیم کنید و به پیشرفت بیشتر به همراه پس انداز و دوری از خساست برسید این ها همه جزء لوازم آرامش و خوشبختی است.

- اگر حس میکنید که نمی توانید برای درامدتان برنامه ریزی داشته باشید بهتر است الگوی مناسبی برای خود پیدا کنید و از او در این زمینه راهنمایی بخواهید.

➤ برخی از معیارهای انتخاب همسر از منظر اهل بیت (علیهم السلام)

اصالت خانوادگی

با خانواده ی خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه اثر دارد. پیامبر اکرم(ص)

دقت در انتخاب زن

بنگر جاننت را در کجا قرار می دهی و چه کسی را در مال و دارایی ات شریک می سازی و چه فردی را بر دین و راز و امانتت آگاه می کنی. اگر تصمیم به ازدواج داری دوشیزه ای برگزین که به خیر و نیکی و حسن خلق منسوب باشد. امام صادق (ع)

معیارهای غلط برای انتخاب زن

به خاطر چهار چیز نباید با زن ازدواج کرد: ثروتش، زیبایی اش، حسب و نسبش و لذتش. پس بر تو باد [ازدواج با] زن متدین.

سرانجام معیارها

هر کس با زنی به خاطر قدرتش ازدواج کند، خداوند جز خواری او نمی افزاید. هر که با زنی به خاطر دارایی اش ازدواج کند، خداوند جز به ناداری او نمی افزاید. هر که با زنی به خاطر بزرگ زادگی اش ازدواج کند، خداوند جز بر پستی او نمی افزاید و هر کس با زنی فقط برای این ازدواج کند که چشمش را (از حرام و نامحرم) فروبپوشاند یا دامنش را پاک نگه دارد یا پیوند خویشاوندی اش را برقرار بدارد، خداوند در آن مرد و زن برای یکدیگر برکت قرار می دهد.

تأثیر از فرهنگ و دین

از فرهنگ و دین مرد آگاه شوید که زن بی گمان از فرهنگ و دین او تأثیر پذیرد. امام صادق (ع)

نهی از همسری شرابخوار

هرگاه شرابخواری از دختر شما خواستگاری کرد، به او پاسخ ندهید. پیامبر اکرم (ص)

➤ برخی از معیارهای انتخاب همسر

الف) آرامش ساز یا آرامش سوز

آرامش اصلی ترین ملاک در ازدواج است و دیگر معیارها و ملاک ها را باید به نسبت آرامشی که برای ما ایجاد می کند بسنجیم. موظب باشید به دلیل سختی و مشقت های دوران قبل از ازدواج، آرامش را در امکانات بیش تر همسر آینده ی خود جستجو نکنید. نباید محرومیت های قبل از ازدواج مانع از تصمیم گیری صحیح در انتخاب همسر شایسته بشود. برای مثال به محض اینکه متوجه شدید داماد اتومبیل دارد ذوق زده شوید و در احساساتان تأثیر بگذارید و ملاک های اصلی یک ازدواج موفق و همسر شایسته را از یاد ببرید.

ب) تطابق فرهنگی

برخی مهم ترین مشکلات جوانان برای ازدواج را مشکل اقتصادی آنان می دانند. در سالهای گذشته در یک تحقیق میدانی پیرامون مسأله ی ازدواج دانشجویی بین دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور صورت گرفت و «بزرگترین معضل ازدواج دانشجویی» از جمله سوالات آن پرسشنامه بود. در پاسخ این سوال، دانشجویان مجرد معضل اقتصادی را بزرگ ترین مانع بر سر راه ازدواج دانشجویی دانسته بودند. ولی در پاسخ دانشجویان متأهل، معضل و مسائل اقتصادی بسیار کم تر موردنظر آنان بود.

از این رو، می توان نتیجه گرفت بر اساس وعده ی الهی که در قرآن می فرماید: «ان یكونو فقراء یغنم الله من فضله»؛ جوانان اگر فقیر هم باشند، خداوند از فضلش آنان را غنی و بی نیاز می سازد. این مسأله نشان از تحقق وعده ی الهی دارد.

پاسخ دانشجویان متأهل به مراتب از پاسخ دانشجویان مجرد واقعی تر است. دانشجویان مجرد بیش تر بر اساس ابهام و تخیل ذهنی و جو روانی حاکم بر جامعه ان پاسخ را داده بودند. ولی دانشجویان متأهل مشکلات و معضلات را به خوبی لمس و تجربه کرده بودند. دانشجویان متأهل بزرگ ترین مشکل دانشجویی را «عدم تطابق فرهنگی» دانسته بودند. این موضوع از مهم ترین و جدی ترین مباحث ازدواج در جامعه ی کنونی است. یعنی در گذشته این مسئله در امر ازدواج انچنان مورد توجه قرار نمی گرفت. ولی امروزه اگر درجه ی بسیار اندکی هم بین طرفین تفاوت فرهنگی باشد بسیار زود نمود میکند و به اصطلاح عامیانه «تو ذوق می زنی» از این رو پرداختن به این موضوع باید بسیار موشکافانه و دقیق باشد.

مشکل تطابق فرهنگی بین دانشجویان

حال برای اینکه ببینیم چرا دانشجویان متأهل گفتند بزرگترین مشکل ازدواج دانشجویی عدم تطابق فرهنگی است این مسئله را مورد بررسی قرار می دهیم. دو دانشجو هر کدام در محیط دانشجویی و تحت یک کل مشترک بودند. یعنی هر دوی آنها در رشته ی ریاضی دانشگاه اصفهان در کسب علم مشغول بودند و با ورود به دانشگاه هویت جدیدی یافتند که در آن هویت احساس وحدت می کنند. در یک تشکل نظریات هم را می پسندند و در شب شعری، از ذوق شعری هم خوششان می آید. احساس می کنند به همدیگر می خورند و روحیه شان مثل هم است ولی همه ی این ها به هویت دانشگاهی آن ها مربوط می شود. تا اینکه به ازدواج با هم علاقه مند می شوند.

اما وقتی زندگی شکل گرفت آن ها با هویت شهروندی و خانوادگی خودشان وارد زندگی مشترک می شوند نه هویت دانشگاهی و آن موقع متوجه میشوند از نظر فرهنگی تطابق ندارند. یعنی تا قبل از ازدواج همدیگر را از یک بعد می نگریستند و خود را مناسب یکدیگر تشخیص می دادند و ازدواج آن دو با هم صورت گرفت. اما بدیهی است اگر هویت خانوادگی آن ها با هویت دانشگاهی ایشان با هم همخوانی و مطابقت نداشته باشد منجر به اختلاف می شود زیرا در محیطی خواستگاری صورت گرفته که محیط زندگی ایشان نبوده است.

از این رو توصیه ی ما به دانشجویان این است که خواستگاری ها باید حتما در خانه و با حضور خانواده ی دختر صورت گیرد تا با دیدن فضای خانواده همسر، مقداری از فضای حاکم بر ذهنش که در دانشگاه شکل گرفته خارج شود. حتی خواستگاری در واحد مشاوره ی دانشگاه و تحت نظارت مشاوره نیز مطلوب نیست و دو طرف نمی توانند در این محیط فرهنگ یکدیگر را شناسایی کنند.

نباید به این بهانه که خانواده های دو طرف در شهرستان دیگری هستند مسئله ی مهمی مانند ازدواج را سرسری بگیرند. پسر باید به منزل خانم دانشجو برود و در محل رشد و نمو و تربیت آن دختر با فرهنگ و فضای شکل گرفتن هویت همسر آینده اش آشنا شود. مسئله ی ازدواج و پنجاه، شصت سال زندگی مشترک بازچه نیست!؟

دختر خانم های دانشجو نیز باید در جلسات سوم چهارم با خانواده ی همسر آینده ی خود آشنایی پیدا کند. زیرا محیط خانواده معرف فرهنگ یک خانواده است. حتی برادران و خواهران کوچک تر که در حیط منزل مشغول بازی هستند ولی در جلسه ی خواستگاری شما در دانشگاه حضور ندارند بیش تر معرف فرهنگ خانواده ی طرف مقابل هستند. از بازی کودکان یک منزل می توانید نتیجه گیری کنید که آیا ما دو خانواده با هم تطابق فرهنگی داریم یا نه؟

تحقیقات را منحصر به محیط دانشجویی و دانشگاه نکنید؛ زیرا بنا نیست تا آخر عمر شما در دانشگاه به سر ببرید. از شهر و دیار و محیط زندگی فرد در گذشته نیز اطلاعات کسب کنید تا در مسئله ی کفویت و تطابق به نتیجه گیری صحیحی برسید. هویت

خانوادگی و محلی افراد قطعا با هویت دانشگاهی متفاوت است و نکته ی مهم در اینجا است که شما با هویت محلی و خانوادگی او زندگی مشترک خود را آغاز کنید. هویت دانشگاهی هویتی گذرا است.

ج) فرهنگ خانواده

توصیه ی دیگر به دختران و پسران جوان این است که از خواستگاری مستقیم اجتناب کنید. خواستگاری به نحو سنتی روشی مطمئن تر و موفق تر است لیکن باید ایرادهای آن را بر طرف کرد. دلیل موفقیت در خواستگاری سنتی این است که قبل از اینکه با فرد روبرو شوند با خانواده و فضای کلی آن آشنا می شوند و خانواده ها همین که دو کلمه با هم گفتگو کردند تشخیص می دهند که تطابق فرهنگی با هم دارند یا نه.

از این رو به جوانان عزیز توصیه می شود خود را فریب ندهند و نگویند ما می خواهیم با هم زندگی کنیم کاری به خانواده هایمان نداریم. زیرا ما با فرهنگ خانواده ی خود گره خورده ایم و نمی توانیم از فرهنگ خانواده ی خود جدا شویم.

د) احساس خوشایندی

این نظریه که تا زن و مرد بهم نرسیده اند کامل نمی شوند به این معنا نیست که فقط یک زن خاص است که او را کامل می کند و آن زن حتما باید شخصی باشد که در مدت زمانی محدود شما به آن دلباخته باشید و او باید تکمیل کننده ی زندگی شما باشد و یا برعکس.

گاه فردی با یک نگاه دلباخته دختری می شود و یا دختری به پسری علاقه پیدا می کند. از آن ها می پرسیم: دختران و یا پسران دیگری هم هستند. شاید مثل این مورد اگر چشم تو به آن ها می افتاد سخنان آن ها را هم می شنیدید از آن ها خوشتر می آمد؟ باید توجه داشته باشید که فقط دو گزینه در مقابل شما قرار ندارد. یعنی فکر نکنید که شما باید یا از کسی که خوشتان آمد با او ازدواج کنید یا باید با کسی که خوشتان نمی آید ازدواج کنید. بلکه گزینه ی سومی نیز برای ازدواج وجود دارد. یعنی کسی که معیارهای دیگری هم دارد و از او خوشمان می آید. اما توصیه می کنیم معیار «خوش آمدن» را پس از معیار های مطلوب قرار دهیم. زیرا اگر ملاک خوش آمدن را ابتدا مد نظر قرار دهیم دیگر فرصتی به بقیه ی معیارها نمی دهد. یعنی اول اطمینان پیدا کنید که تطابق فرهنگی و خانوادگی و سنی و فکری و روحی بین شما وجود دارد.

تحصیلات و ازدواج

پسری که علاقه مند به ادامه تحصیل است در صورتی که احساس نیاز به ازدواج ندارد بهتر است ازدواج را به تأخیر بیندازد. ولی اگر فرد احساس کند نسبت به جنس مخالف دچار لغزش شده است احساس می کند کنترل شهوات برایش سخت شده چه در برخورد با جنس مخالف، چه همجنس چه در تنهایی، همین که این احساس را کرد اینها همه نشانه ی نیاز به ازدواج است و در این صورت

نباید به خاطر تحصیلات ازدواج را عقب بیندازد. البته در مورد خانم ها چه نیاز به ازدواج پیدا شد و چه نشد اصل اولیه این است که دختر هر چه زودتر اگر امکان ازدواج فراهم بود ازدواج کند.

دختر خانم ها به این نکته توجه داشته باشند که اگر فرد مناسبی برای ازدواج پیدا شود، آنچه مقدم می باشد ازدواج است نه تحصیل. البته با در نظر داشتن این نکته که در حال سپری کردن مقاطع حساس تحصیلی (کنکور و ...) نباشند. فکر نکنید با ازدواج کردن برنامه تحصیلی تان به هم می خورد بلکه در پرتو ازدواج، شما و همسرتان یکدیگر را در این راه یاری کنید و به هم دلگرمی و امید دهید که این مسأله در موفقیت شما در تحصیلات علمی بسیار مؤثر است. توجه داشته باشید در ماههای اول ازدواج، تحصیلات فرد تحت الشعاع قرار می گیرد و گاهی دچار تزلزل می شود که با توجه به روحیه ی خانم ها این امر در آنها بیشتر است؛ پس شروع ازدواج نباید با مقاطع حساس تحصیلی همراه باشد. به طور کلی راه حل خروج از تشویش ذهنی در این زمینه، بررسی زندگی کسانی است که ازدواج کرده اند و تحصیلاتشان را نیز ادامه داده اند.

➤ جایگاه قلب و عقل

اولین مسئله مهم در خواستگاری این است که بدانیم در انتخاب همسر، انتخابگر اصلی در وجود ما کیست؟ یعنی مشخص شود که آیا «قلب» انسان تصمیم می گیرد یا «عقل»؟ اگر جایگاه عقل و قلب در تصمیم گیری در انتخاب همسر تبیین شود، آداب ان به راحتی مشخص خواهد شد. به تناسب پاسخ به این سوال آداب متفاوتی در برابر ما جلوه می نماید. عموماً پاسخ می دهند عقل تصمیم گیرنده است و اغلب ما چنین ادعایی داریم که باید عقل تصمیم بگیرد. اما در عمل، تصمیم گیرنده قلب است. یعنی در مقام ادعا عموماً بر عقل تاکید می ورزند ولی در عمل تابع حکم قلب خود هستند و بین این واقعیت و آن حقیقت تفاوت دیده می شود.

نظر ما بر عکس دیدگاه و ادعای عموم، تاکید بر تکیه نمودن به حکم قلب است. زیرا در حقیقت تصمیم گیرنده ی واقعی در مسئله ی ازدواج قلب است. چنانکه بر روی کارت های ازدواج نیز تصویر دو قلب صنوبری که به هم پیوند خورده اند دیده می شود. هیچگاه بر روی کارت های دعوت عقد و عروسی شاهد نبوده ایم که دو مغز را به هم بچسبانند و بنویسند پیوندتان مبارک! زیرا ازدواج پیوند قلب هاست نه مغزها. بنابراین قلب ها باید با هم سنخیت داشته باشند. از این رو با صراحت و بی پرده خطاب ما به جوانان این است که باید ببینید دلتان چه می گوید و بدون هیچ تردیدی همسری را انتخاب کنید که دل شما آن را برمی گزیند.

ریاست و فرماندهی ازدواج با دل است. اما یک اصل مدیریتی را نباید از نظر دور کنیم وان اینکه مدیرانی موفق هستند که در کنار خود کارشناسانی آگاه را به کار بگمارند. یعنی مدیران موفق قبل از اقدام به هر کاری و فرمانی و اظهار نظری باید به کارشناسان خود فرصت بدهند تا آنان نظر کارشناسی خود را اعلام دارند و کارشناسان بدون اینکه نگران نظر مدیر باشند و از نظر مدیر اطلاع داشته باشند با خیال آسوده کارشناسی خود را انجام دهند. نتایج ان را به مدیر ارائه دهند و محاسن و معایب، کیفیت

و کمیت پروژه ی مورد نظر را گزارش دهند. سپس مدیر با آگاهی از تمام نکات موثر در موضوع، تصمیم بگیرد که پروژه انجام شود یا دستور به توقف آن دهد. در امر ازدواج نیز قبل از هر گونه تصمیم و گزارشی، قلب باید از کارشناس ویژه ی خود یعنی عقل کارشناسی طلب کند زیرا خداوند عقل را به عنوان کارشناس عالی رتبه در وجود انسان نهاده است.

در فرایند ازدواج ابتدا عقل باید با خیال اسوده و بدون هیچ اشفتگی خاطر فرصت اظهار نظر پیدا کند. عقل باید فارغ از نگرانی دل و شوقی که در دل ایجاد شده یا نفرتی که در دل بوجود آمده است شروع به شناسایی نقاط ضعف و قوت فرد مورد نظر نماید و در این امر باید نظرات کارشناسان دیگر مانند پدر و مادر، مشاوران امین و معرف های مطمئن را جمع بندی کند. پس از آنکه عقل گزارش ها و اطلاعات خود را آماده ساخت قلب وارد میدان می شود و با توجه به نظریات کارشناسانه ی عقل در نهایت اعلام نظر می کند که او را پذیرفته است یا نه. اگر با توجه به اوصاف فرد مورد نظر و آگاهی بخشی های عقل، آن فرد به دل نشتست پاسخ روشن است و نباید آن ازدواج صورت گیرد. اما نکته ی اساسی در اینجا است که دل باید حرف آخر را بزند نه حرف اول را. مدیرانی که حرف آخر را می زنند موفقند، نه اینکه از اول یک حرف را بزنند و تا آخر بر آن پافشاری داشته باشند.

➤ آشنایی های مستقیم

الف) غلبه احساسات در آشنایی های مستقیم

نباید شور و حال آشنایی بر تعقل غلبه پیدا کند و احساسات بر اصل شناسایی مقدم شود. متأسفانه این آداب در خواستگاری ها رعایت نمی شود و خواستگاری هایی که اکنون بین جوانان متداول شده است، سنگی معلق در هواست. در خواستگاری های مستقیم که جوانی از جوان دیگر در پی یک دیدار سطحی و دلباختگی ذهنی انجام می دهد و در پی سه جلسه گفتگو با هم خودمانی می شوند و می گویند اگر به تفاهم رسیدیم بعداً با خانواده ها در میان می گذاریم. وقتی از آن جوان می پرسیم چرا اینگونه عمل می کنی؟ می گوید: می خواهم طرف را بشناسم. گاه شاهد هستیم که با هم صحبت مستقیم نمی کنند؛ اما بنحوی در یک پروژه با هم همکاری می شوند و یک ارتباط کاری و عاطفی با هم پیدا می کنند و به بهانه ی آن با هم رفت و آمد پیدا می کنند.

هر چند رفت و آمدهای جوان به نیت شناخت طرف مقابل انجام می شود، اما نتیجه کار برعکس می گردد. یعنی در این ارتباطات قبل از اینکه شناسایی انجام شود، دلباختگی ایجاد می شود و دلباختگی و عاشقی مانع از شناسایی است؛ همانطور که می فرمایند: «حبک للشیء یعمی و یصم» علاقه به چیزی انسان را کور و کر می کند یعنی مانع از شناخت دقیق نسبت به نکات منفی آن می شود.

ب) شیوه برخورد با آشنایی های مستقیم

دلیلی که باعث آشنایی شما با فرد مقابل شده است، نمی تواند به تنهایی اساس خوبی برای شناخت های بعدی باشد. اگر در دانشگاه، یا بین فامیل و یا همسایگان فردی توجه ما را جلب کرد باید چه کنیم؟

- ۱- برای اینکه وابستگی ایجاد نشود، احساس خود را به هیچ صورتی بروز ندهید. (وابستگی یعنی حتی عیب های او را می بینید ولی نمی توانید از او دل بکنید و آن وقت است که واقعاً به دردمس می افتید.)
- ۲- برای حفظ حرمت ها و همچنین احساسی نشدن، مستقیماً با هم گفتگو نکنید.
- ۳- چون ممکن است خودش را غیرواقعی یعنی آن طوری که شما می خواهید نشان بدهد، هیچ پیشنهادی به او ندهید.
- ۴- خودتان خوب می دانید که شناخت واقعی در نتیجه ی گفتگوها و تعاملات رسمی و به دور از احساس به وجود می آید، پس در این شرایط حتی گفتگوی جدی هم علاقه کاذب را به همراه خواهد داشت.
- ۵- امکان دارد که همان لحظه به طور هیجانی و بدون دلیل جواب رد بدهد ولی با خواستگاری رسمی این امکان احتمالش کمتر است.
- ۶- ممکن است خانواده ات فکر کنند که شما در اثر صحبت با او فریب خورده اید و اصلاً پیشنهادتان را جدی نگیرند.
- ۷- احساسات بدون کلام هم منتقل می شوند پس با کنترل نگاه و رفتار خود فعلاً احساسات را پوشیده نگه دارید.
- ۸- قبل از هر کاری از خدا کمک بخواهید و با توکل به خدا و مشورت با دیگران اول از درستی کار خود مطمئن شوید و سپس از شخص امین و باتجربه ای درخواست کنید که با تحقیق مقدماتی او را به شما بشناساند.
- ۹- در صورتی که این آشنایی حتی منجر به خواستگاری هم نشود، فکر نکنید که شخص مورد نظر تنها کسی است که می تواند شما را خوشبخت کند.

و به طور خاص در مورد دختران توصیه می شود:

- ۱- با جلوه دادن و خودنمایی نخواهید که او هم شما را انتخاب کند.
- ۲- برای اینکه حیا و شخصیتتان حفظ شود؛ به خود حتی این اجازه را ندهید چه با کلام و یا غیر کلام از خواسته ی شما مطلع گردد.
- ۳- جایی که می بینید او هم واقعاً به شما علاقه دارد و از گفتن خواسته اش به دلیل موقعیت خوب اجتماعی و اقتصادی می ترسد یا لاف اقل اگر شناخت پیدا کند، اقدام می کند، با واسطه قرار دادن يك شخص با تجربه و آگاه بخواهید که به طور غیرمستقیم شما را به هم معرفی کند.

(ج) آشنایی از طریق چت کردن

درست است که چت بدون تشریفات و قرار خواستگاری انجام می شود و حتی زحمت بیرون رفتن را هم به شما نمی دهد ولی:

- ۱- معمولاً کسانی چت را انتخاب می کنند که به دلایلی نمی خواهند دیده شوند و کاملاً شناخته شوند.
- ۲- در چت کردن فوق العاده احساسات دخیل است چون هر دو دارید آرمانی همدیگر را در نظر میگیرید.
- ۳- چت اعتیاد آور است و معلوم نیست ، پایان صحبت هایتان کی باشد.

۴- اگر آشنایی شما از ابتدا از طریق چت صورت گرفته توجه داشته باشید که گفتگوی فیما بین تحت تاثیر فضای نسبتاً آزاد، نه از حوزه ادب و عقل خارج گردد و نه ناخودآگاه در حوزه عواطف کنترل نشده وارد شود و به محض تشخیص یا احساس کفویت، تداوم رابطه را در قالب خواستگاری یا دیدار رسمی تحت اطلاع و نظرات والدین و یا مشاور آگاه و مومن شکل دهید.

➤ شناسایی از روی سؤالات فرد در جلسه خواستگاری

در جلسات خواستگاری ارزیابی شما سوال محور باشد نه جواب محور. روش های کلاسیک و قدیمی آموزش و ارزیابی ها جواب محور است. هنوز در نظام آموزشی مدارس و دانشگاه ها برای ارزیابی یک سری سوال می دهند اگر توانایی پاسخگویی را داشت این دانشجو یا دانش آموز درس خوان و اهل مطالعه به شمار می آید. این سؤالات و ارزیابی های جواب محور فقط میزان حافظه ی دانشجو را نشان می دهد نه میزان فهم او را.

از این رو در مدارس و دانشگاه ها اگر مطرح شود که امتحان گرفته شده در ماه پیش مورد قبول نیست و باید مجدداً امتحان دهند با مخالفت شدید دانش آموزان و دانشجویان مواجه می شوند زیرا آنان دروس را فقط برای امتحان خوانده اند و حالا دیگر یادشان نیست. این ارزیابی مطرود است.

در استخدام ها و گزینش های بورس از مصاحبه گران خواسته میشود فهم و درک فرد را ارزیابی کنند نه محفوظاتش را. مثلاً اگر بخواهند دانشجوی رشته ی فیزیک را بورس کنند بهتر است از او بپرسند: مهم ترین سوال فیزیکی که برای شما مطرح است چیست؟ چه گره ای در فیزیک دارید؟ سؤالات این دانشجو مشخص می کند که سطح علمی و فهم علمی این دانشجو در چه حدی است. در جلسات خواستگاری بیش و بیش از آنکه سوال مهم باشد نوع پاسخگویی مطرح است «زیرا چه بسا پاسخ به سؤالات را حفظ کرده باشد. سؤالات بیش تر معرف افراد است تا جواب ها». به عنوان مثال اگر در مصاحبه های صدا و سیما دیده باشید وقتی خبرنگار از مصاحبه شونده ی دختر بپرسد الگوی شما کیست؟ معلوم است که بطور کلیشه ای پاسخ می دهد: حضرت زهرا (ع) این پاسخ معلوم نیست بیانگر رفتار او باشد و نمی توان اطمینان کرد که واقعا هم چنین باشد.

از طرفی فرد ممکن است در جلسه ی خواستگاری هول شود و پاسخی را که خود به ان معتقد است را نگوید. نباید بر اساس پاسخ او تصمیم قطعی بگیریم. اما نوع سوال ها و موضوع سوال ها بیش تر تعیین کننده است و نشان میدهد او چه دیدگاه و دغدغه هایی دارد. حتی ترتیب سؤالات و تاکید روی بعضی از ان ها می تواند نشان دهنده ی ایده ها و تفکرات او باشد. به عنوان مثال اگر شما از خانواده ی دختر یا خود دختر بپرسید: شما در قید و بند مادیات هستید یا نه؟ جوابی که تقریباً همگان می دهند این است: ما به نجابت داماد بیشتر نظر داریم نه مادیات؟ پس نمی توان این سوال و جواب را ملاک قرار داد.

اما اگر به نوع سوالاتی که دختر یا مادرش می پرسند توجه کردید مثلا این ماشین را تازه خریده اید؟ مدلش چیست؟ این سوالات برای ما مشخص می کند که هم و غم این دختر چیست و چه چیز برایش جلوه دارد. قطعا دغدغه های مادی برایش مهم است که در این زمان مهم، سوالاتی در زمینه ی ماشین از او می پرسد.

اگر دختر از پسر بپرسد: نظرتان راجع به ادامه تحصیل دخترها چیست؟ عموم پسرها پاسخ می دهند: من افتخار می کنم همسرم تحصیل کرده باشد؟

این جواب کلیشه ای است که همه ی پسرها یاد گرفته اند اینگونه پاسخ دهند به این جواب نباید اعتماد کرد. اما اگر این اقا پسر از رشته ی تحصیلی دختر خانم بپرسد و وضعیت درسی او را جویا شود و با شور و حالی به ان بپردازد نشان می دهد او به ادامه تحصیل همسرش علاقه مند است تا آنکه فقط بپرسد «درس شما کی تمام می شود؟!»

➤ تصمیم گیری

✓ نقش توکل

توکل در تصمیم گیری نقش اساسی دارد. مقصود از توکل این است که انسان به مطالعات کتب، مشاوره ها، حمایت پدر و مادر و تحقیقات قبل از ازدواج اتکا نکند. توکل یعنی اینکه در مراحل زندگی ضمانت انسان تکیه به خداوند باشد. توکل یعنی انسان همه ی تلاش ها و مطالعات و تحقیقات را داشته باشد؛ اما لحظه ی تصمیم گیری باز از خداوند غافل نباشد و سررشته ی همه ی امور را در دست خداوند ببیند و بگوید: خداوندا! به امید تو حرکت کردم و تویی که می توانی یاور من در زندگی باشی؛ «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»

- توکل یعنی در تمام مراحل شناسایی، تحقیق، مشورت و ارزیابی نگاهمان رو به خدا باشد.
- اگر توکل به خدا را به شناسایی هایمان بیش تر پیوند بزنیم امکان رسیدن به حقیقت و درستی افزایش می یابد.

✓ استخاره

تفاوت استخاره با فالگیری

استخاره با فالگیری فرق دارد. اگر کسی به سراغ آقایی برود و بگوید استخاره کنید ببینیم در آینده برای ما چه اتفاقی می افتد، این استخاره نیست. استخاره فقط می گوید خوب یا بد است. از چگونگی اتفاقات آینده خبر نمی دهد و حداکثر جنبه هایی از خوب و بد بودن را توضیح می دهد.

استخاره کاری جز یقین یکی از دو طرف نیست؛ نه کلامی از احکام غیب را تغییر می دهد نه ما را به اسرار غیب آگاه می سازد فقط خیر ما را در یکی از دو راه مشخص می کند.

استخاره های بیجا

اغلب استخاره های ما از ضعف عقل و ضعف نفس و ضعف ایمان ناشی می شود. چون تعقلمان کم است یا ضعیف النفس هستیم و یا ایمان ضعیفی داریم رو به استخاره می آوریم. گاهی افراد هنوز خواستگاری نرفته اند سراغ استخاره می روند. این رفتار بازی درآوردن است. فکر غلطی است که در ذهن بعضی ها قرار گرفته است که میگویند می خواهیم با خداوند مشورت کنیم پس استخاره می کنیم.

مشورت با خدا

استخاره مشورت با خدا نیست. در روایات هیچ کجا نگفته اند برای مشورت با خدا استخاره کنید اما مشورت با مومنین را مشورت با خدا دانسته اند. حتی خدا به پیامبر خود در سوره ی شوری امر به مشاوره و مشورت می کند. در روایات آمده که هرگاه در یک تحیر و سرگردانی گرفتار شدید با مومنی مشورت کنید. ما به ان مومن خیر شما را الهام میکنیم و به زبان او هدایت شما را جاری می نمایم.

نکاتی در مورد استخاره

- شما در صورتی مجاز به استخاره هستید که پس از گذراندن مراحل تفکر، بررسی، تحقیقات و مشورت بین جواب مثبت قطعی و منفی قطعی دادن مردد باشید.
- اگر شما صرفاً در جواب مثبت دادن تردید دارید نباید استخاره کنید.
- اگر از لحاظ عقلی او مورد تایید شماست ولی از لحاظ قلبی تردید دارید، میتوانید استخاره کنید.
- سوال: اگر دل انسان از لحاظ تعقل و مشورت و میل درونی به طرفی متمایل شده است اما استخاره بد آمده است چه باید بکنیم؟
جواب: اینجا اصلاً جای استخاره نیست و استخاره باطل است. در این زمینه با یک عالم ربانی مشورت کنید.

✓ مشاوره

در مورد مشاوره به نکات زیر توجه کنید:

- به خاطر داشته باشیم که مشاوره تنها به ما راههای درست را نشان می دهد و انتخاب و تصمیم گیری در مورد انتخاب راه، دست خود ماست.
- در مشورت نتیجه قانع کننده بحث مهم است نه تعداد مشاوران
- مشاوره قبل از دواج باعث می شود که شما قبل از ورود به زندگی مشترک از مشکلات آن آگاه شوید و در لحظه ی بروز مشکل، صبورانه تر، عاقلانه تر و با کمترین میزان اضطراب آن را حل کنید.
- برای مشورت مفید، شما هم باید مسائل و نقاط ابهام را در مورد گفته ها و شنیده ها به خوبی بیان کنید و تنها مشاور خوب کافی نیست.
- مدت زمان مناسبی را برای مشورت کردن اختصاص دهید، نباید عجله کنید زیرا انتخاب کسی که همتای شما باشد و در کنار او بتوانید زیر یک سقف در آرامش زندگی کنید زمان کافی را می طلبد.

- هر چه قدر هم که نظرات دیگران خوب و تخصصی باشد، اما باید بدانید تصمیم گیری نهایی با خود شماست، پس این اجازه را به شخص دیگری ندهید.

✓ نکات اساسی تصمیم گیری

- تصمیم گیری مرحله ای به ظاهر آسان ولی در واقع سخت است. آن را جدی بگیرید، احساسی عمل نکنید اما بیش از اندازه هم وسواس به خرج ندهید و به خدا توکل کنید.

- اگر ابتدا احساسی تصمیم گیری کنید چشمانتان به روی حقایق بسته می شود و نظرتان به عقل تحمیل می گردد، آنگاه مطمئن باشید که تصمیم عاقلانه و درستی نگرفته اید؛ پس به زودی منتظر عواقب آن باشید.

- علائم تصمیم احساسی: بدانید از زمانی که ایرادهای طرف مقابلتان را در هر صورت برای دیگران توجیه می کنید پس از روی احساس تصمیم گرفته اید.

- اگر شخصی عقیف، هم فکر و مؤمن باشد و همچنین توانایی اداره زندگی را داشته باشد و شما نسبت به او احساس خوشایندی دارید او را انتخاب کنید.

- این را بدانید که شاید او بتواند حساسیت ها و سلیقه های اکتسابی اش را اصلاح کند اما هرگز نمی تواند رفتار فردی و شخصیت درونی و ذات خود را به زودی تغییر دهد.

- در دوران خواستگاری و مخصوصاً در تصمیم گیری باید بین شما و شخص مقابل تفاهم باشد و بعد از تصمیم گیری توافق.

- هیچ گاه نباید به دنبال تفاهم صد درصد باشیم. تفاهم ۶۰-۷۰ درصد برای ازدواج خوب است.

- هرگز نباید تا قبل از تصمیم نهایی به گونه ای رفتار کنید که طرف مقابل گمان کند که او را انتخاب کرده اید. شاید در یک تحقیق یا گفتگوی جدید از مسئله ای اطلاع پیدا کنید که مورد قبول شما نباشد.

- این را بدانید که وقتی قویاً معتقد باشید که تصمیم درستی گرفته اید به همسران بیش تر اطمینان می کنید و برداشت مثبت تری از زندگی خواهید داشت. پس تصمیم را دیر بگیرید ولی در آن تردید نکنید.

- عاقلانه تصمیم بگیر تا عاشفانه زندگی کنی.

➤ نقش مهریه در ازدواج

فلسفه مهریه

یکی از نکاتی که خداوند متعال در تعیین مهریه برای ازدواج در پی آن است مشخص شدن جایگاه طالب و مطلوب است. مقصود از قرار دادن مهریه تبیین مطلوب بودن زن و طالب بودن مرد است که متأسفانه در این دوران آخرالزمان دستخوش تغییری ناپهناجر شده است.

در فلسفه ی قرآنی و دینی ما، مرد مظهر نیاز است و زن مظهر ناز. بنابراین وقتی خواستگاری به خانه ی دختر خانم پا می گذارد و بنا را بر این نهاده اند که همان اول پاسخ مثبت ندهد، زن باید هرچند از آن جوان هم خوشش آمده است مظهر ناز بودن خویش را حفظ کند و بر همین اساس و با توجه به طبیعت زن، او به خواستگاری نمی رود و مرد به خواستگاری او می آید.

خداوند برای اینکه این جایگاه برای زن و مرد حفظ شود مسئله ی مهریه را تعیین فرمود که مرد بداند از اول او طالب بوده است و زن مطلوب و هر مطلوبی مهری دارد و مرد باید صداقت خود را در ابراز علاقمندی نشان دهد. بنابراین می فرماید: «واتو النساء صدقاتهن نحل» «و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید».

شما برای ابراز مهر و محبت به مادرتان در روز تولدش و یا در مناسبت روز مادر هدیه ای همراه با شاخه ی گلی به ایشان هدیه می دهید مبلغ گل و هدیه انچنان مهم نیست؛ مهم اصل هدیه دادن است. در فرهنگ دینی ما مهریه به منزله ی هدیه ای از جانب مرد به زن است تا اثبات کند من طالب تو هستم و تو مطلوب منی و این هدیه لازم نیست حتما جنبه ی مادی داشته باشد؛ می تواند علم باشد کما اینکه مهریه حضرت حوا از جانب حضرت آدم(ع) علومی بود که خداوند به او داده بود. پس بطور خلاصه باید بدانیم:

- مهریه باعث ایجاد مهر و محبت بین زن و شوهر می شود.
- نفس مهریه به زن مقام می دهد؛ یعنی ای مرد! اگر طالب زن هستی باید برایش متاعی بپردازی نه اینکه مفت آن را به دست آوری.
- حضرت رضا(ع) در پاسخ به این سوال که چرا برای زن مهریه تعیین میشود فرمودند: «زیرا زن به علت اشتغال به خانه داری و تربیت فرزند از کسب و تجارت محروم است و درآمدی ندارد.»

میزان مهریه

فلسفه ی شرع مقدس برای مهریه يك نوع هدیه دادن است که سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله) در این زمینه، در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) و همسران پیامبر(ص) مهر السنه بود و زیاد نبودن مبلغ مهریه به عنوان يك امر پسندیده تلقی می شد. (مهریه ای که پیامبر(ص) از طرف حضرت علی(ع) جهت ازدواج با حضرت زهرا(س) قبول نمودند مهر السنه نامیده می شود). وقتی می گوئیم در صدر اسلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مهریه بانویی را آموختن قرآن قرار داد، مقصودمان این نیست که امروز هم بگوئیم که آموزش قرآن به عنوان يك هدیه کافی است یا علم آموزی کافی است. این در حد اضطرار است. پیامبر چون آن شخص هیچ چیزی برای هدیه و مهریه نداشت، آن مهریه را تعیین می فرمودند.

البته باید توجه داشت اگر مهریه در شرع مقدس یک ملاک شرعی داشت جهیزیه هیچ ملاک شرعی ندارد. یعنی توقع اینکه خانواده ی دختر باید حتما چه چیزهایی تهیه کنند ملاک شرعی ندارد. اگر بحث مهریه را مطرح کنیم باید جهیزیه را هم مطرح کنیم. اگر می خواهیم فرهنگ سازی کنیم حق نداریم مهریه را خیلی غلیظ مطرح کنیم و به جهیزیه که می رسیم سکوت کنیم. وقتی فرهنگ یک جامعه اصلاح می شود که ایرادهای ایجاد شده را هماهنگ بر طرف کرد.

در این زمینه نکاتی را خاطر نشان می‌کنیم:

- مهریه هدیه ای است صادقانه، پس بهتر است صادقانه نوشته شود.
- مهریه سنگین باطل نیست؛ اما نکوهش شده و عامل بی برکتی زندگی است.
- مهریه ی سنگین مربوط به دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را منسوخ کرد.
- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از یک خانواده ی اعیانی است. خانواده ی پیامبر تقریباً اعیانی ترین خانواده ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر یک جامعه است، چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان (علیه السلام) است می‌خواهند ازدواج کنند مهر ایشان زیاد باشد؟!
- بالا بردن مهریه احترام نیست، بی احترامی است؛ چون مقام دختر مسلمان را با پول نمی‌توان سنجید بلکه با بالا بردن مهریه جنس این معامله ی انسانی را تنزل می‌دهید، به قدر یک کالا و یک متاع. هیچ ثروتی نمی‌تواند معادل سر انگشت یک زن مسلمان باشد.
- ۴ اسکه پیشنهاد مقام معظم رهبری مصداق خوبی است برای مهر السنه. (اینکه می‌بینید ما گفتیم ۴ اسکه بیشتر را عقد نمی‌کنیم برای آن است که آن جنبه معنوی ازدواج غلبه پیدا کند به جنبه مادی؛ مثل یک تجارت و معامله نباشد. مقام معظم رهبری)
- مهریه ی سنگین نه تنها مهر و محبت را می‌برد؛ بلکه باعث ایجاد کینه و بی اعتمادی می‌شود.
- اگر بخواهیم معادل مهر السنه را با قدرت خرید مقایسه کنیم، مهر السنه در جامعه ی امروز ما شاید میزان پولی است که بتوان با آن یک زندگی مشترک را در حد ساده شروع کرد.
- سفرهای زیارتی و یا آموزش قرآن می‌تواند مهریه را با برکت کند.
- اگر مهریه بالا نشان دهنده ی مقام زن بود، باید مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) گران ترین مهریه ها باشد.
- آیا چشم و هم چشمی در میزان مهریه، می‌تواند ضامن خوبی برای آینده شما باشد؟!
- مراقب باشید چشم و هم چشمی ها باعث نشود طبیعت زیبای پیوند تبدیل شود به بازار خرید و فروش.
- اگر قرار باشد چشم و هم چشمی معیار تعیین مهریه باشد، پس جایگاه محبت و اعتماد بین زن و شوهر کجاست؟
- آیا بالا بودن میزان مهریه، نقص عدم شناخت داماد و خانواده او را جبران می‌کند؟!
- با داشتن شناخت نسبت به داماد مهریه را کم بنویسیم بهتر است، یا با عدم شناخت مهریه را سنگین بگیریم؟
- پدر و مادری که مهریه سنگین را عامل خوشبختی فرزند خود می‌دانند، مطمئن باشند این خوشبختی دوامی ندارد.

عوامل بالارفتن مهریه

امروزه در جامعه ی اسلامی ما مهریه جنبه چشم و هم چشمی و فخرفروشی و پز دادن پیدا کرده است. گاهی شنیده می‌شود می‌گویند: دختر ما فلان هنر و یا فلان مدرک را دارد پس مهریه اش را فلان تعداد سکه بگیرد. یا شنیده می‌شود می‌گویند: خانواده

ی فلانی که وضع مالی آنها از وضعیت مالی ما کمتر بود و پایین تر از ما بودند آنقدر مهریه در نظر گرفتند ما که کمتر از آنها نیستیم پس مبلغ مهریه باید بیشتر باشد. در این تفکر مهریه همچون نرخ دختر تلقی می شود می گویند چون این دختر لیسانسه است باید مهریه اش بیشتر باشد! کدام دختر راضی است که با این عنوان قباله اش را امضا کند؟ آیا می شود قیمت برای دختر تعیین کرد؟ آیا می شود گفت یک دختر صد میلیون قیمت دارد؟ یک چشم دختر بیش از این مبالغ ارزش دارد؛ چه برسد به قیمت وجود آدمی. چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة...» خدا از مومنان جان ها و مال هایشان را خرید، تا بهشت از آنان باشد.

فقط خداوند توان خریداری بنده اش را دارد. دختر خانم باید بگوید: من خودم را به هیچ چیز نمی فروشم حتی به عنوان مهر.

یکی دیگر از علل افزایش مهریه ها سهل انگاری و تنبلی در تحقیق است. یعنی وقتی خانواده ی دختر شناختی از پسر ندارد مهریه را سنگین می گیرد که جبران ضعف خود را در تحقیق و عدم اعتماد به داماد جبران کنند! تا اگر داماد فرد شایسته ای از آب در نیامد و مشکلی پیش آمد که کار به طلاق رسید با اهرم مهریه مانع از طلاق او شوند.

باید بدانیم مهریه ی سنگین نمی تواند اعتمادآور باشد؛ زیرا متاسفانه وقتی پسر غیر قابل اعتماد باشد چنان همسرش را خسته و کلافه میکند که دختر ناگزیر به طلاق می شود. چنانکه امار طلاق هایی که انجام می شود بیشتر از جانب دختران تقاضا می شود. چون اگر پسر خواست طلاق بدهد ناگزیر است تمام مهریه را بپردازد ولی دختر اگر خواست طلاق بگیرد ناگزیر است مهریه اش را ببخشد و مرد آنچنان عرصه را بر دختر تنگ می کند که او مجبور به درخواست طلاق بشود.

بنابراین فراموش نکنیم مهریه جای اعتماد را نمی گیرد. از طرف دیگر مردی که به خاطر ترس از مهریه و پدر زن و یا قانون و یا مجازات با زنش زندگی کند این فرد شوهر حساب نمی شود. این فرد برای زن بلای جان است هر وقت در خانه نباشد زن راحت تر است. هر گاه به منزل وارد می شود زن عزا می گیرد.

زن مردی را می خواهد که بر اساس عشق و علاقه با او زندگی کند. حال اگر پدر دختر بگوید: دخترم من برای تو مهریه ای تعیین کردم که این مرد جرات نکند به تو پرخاشگری کند و دختر به جای اینکه از وسیله ی عاطفه و عشق در زندگی بهره گیرد، از تهدید اجرای مهریه استفاده کند به همین مقدار زندگی ضربه می بیند.

در پایان توجه شمارا به نکاتی جلب می نمایم:

- مهریه نمی تواند پشتوانه ی خوبی باشد در برابر بیماری مرد، متارکه و طلاق، تعدد زوجات و ... آمار دادگاه های خانواده این گونه نشان می دهد.

- شاید مهریه بتواند طلاق را به تاخیر بیندازد اما جلوی طلاق را نمی تواند بگیرد.

- تعهدات اخلاقی مرد پشتوانه ی خوبی است برای بقای زندگی نه مهریه ی بالا.

- البته مهریه مانند قفل فرمان ماشین است شاید دزد می تواند قفل ماشین را باز کند ولی همین قفل باعث تاخیر دزدی می شود.

- آیا واقعا به خاطر عدم شناخت پسر (یا بالا گرفتن مهریه) باید مهر بی اعتمادی به روی داماد و خانواده ی او بزنید؟

- هیچ مهریه ی سنگینی مانع طلاق نمی شود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق می شود اخلاق و رفتار است و رعایت موازین اسلامی.

➤ ضرورت تحقیق در ازدواج

در تحقیق پنج نکته را باید در نظر داشت:

۱. چه زمانی تحقیق کنیم؟
۲. از چه منابعی تحقیق کنیم؟
۳. چه کسی باید تحقیق کند؟
۴. با چه شیوه ای و از چه موضوعاتی تحقیق کنیم؟
۵. چه سوالاتی بپرسیم؟

زمان تحقیق

در مرحله اول باید توجه کنیم قبل از ورود به مراحل اصلی خواستگاری تحقیق شروع شود. برخی تحقیقات را به آخرین مرحله موکول میکنند یعنی وقتی همه ی حرف ها زده شد، می گویند: حالا اجازه بدهید تحقیق کنیم. این روش نادرست است چرا که اگر در تحقیق روشن شد مشکلی در کار است تمام زحمات و رفت و آمدها با یک تحقیق کوچک تمام می شود. در حالی که در همان مرحله اول میتوانست این کار فیصله یابد و این همه دردسر به وجود نیاید و باعث ناراحتی یا ضربه خوردن به کسی نشود. بنابراین پیش از آمدن خواستگار از او و خانواده اش جويا شوید، ببینید چقدر به شما شبیه اند؟

منابع تحقیق

برای تحقیق باید چند محل مد نظر قرار گیرد. ابتدا باید از محیط زندگی یعنی محله ای که در آن ساکن هستند و یا اگر چنانچه چندین سال پیش در محله ای دیگر زندگی می کرده اند، از هر دو محل تحقیقات انجام شود. از محیط کار، محل تحصیل و اقوام فرد نیز تحقیق به عمل آید.

اما در اینجا سوالی مطرح است: از چه کسی تحقیق کنیم؟

پاسخ این است که به فراخور هر محل از معتمدان و افراد شاخص و متدین و مسئولان باید سوال شود یعنی ابتدا در آن محیط بپرسیم: چه کسی معتمد و مطمئن است و بعد با او موضوع را مطرح کنیم. محقق قبل از اینکه وارد تحقیق پیرامون موضوع اصلی ازدواج شود، لازم است ابتدا در مورد منابع تحقیقی که می خواهد سراغ ایشان برود تحقیق کند. بدون آگاهی از منبع تحقیق به سراغ او نروید. در تحقیق محلی، روا نیست در خانه ای را بزیم و بگوییم ما می خواهیم در مورد همسایه ی شما چند سوال بپرسیم. چه بسا همسایه ای که شما در خانه ی او را زده اید کینه و عداوتی دیرینه با همسایه خود و فرد مورد تحقیق شما داشته باشد و چنان

اطلاعات غلطی به شما بدهد که شما را از ادامه تحقیق دلسرد کند و یا منابع دیگری را به شما معرفی کند که آنها نیز نظری مانند او دارند. بنابراین گام اول در تحقیق، شناسایی منابع مطلع و با صداقت است. تحقیقات فامیلی بسیار مهم است زیرا اطلاعات دقیق تری نسبت به دیگر منابع تحقیق دارند که کسی غیر فامیل از آن باخبر نیست. افرادی که با آنها وصلت کرده اند می توانند اطلاعات خوبی در اختیار شما قرار دهند. در این زمینه به نکات زیر توجه کنید:

- دوستان خانوادگی، همکاران، هم کلاسی ها ، همسایگان همگی می توانند پاسخگوی بسیاری از سوالات باشند به شرط اینکه از محقق بخواهید با آنها قراری بگذارید و با ایجاد رابطه ای صمیمی اطلاعات مفیدی به دست آورد.
- عدم تمایل به جواب دادن سوالات تحقیق آن هم از سوی نزدیکان فرد، خود نشانه ای منفی است.
- در صورتیکه افرادی را برای تحقیق به شما معرفی کرده اند، تنها به آنها اکتفا نکنید بلکه از افراد مطلع دیگر و حتی مخالفان او نیز تحقیق کنید.
- از هر شخصی تحقیق میکنید حتما از سابقه ی آشنایی او سوال کنید تا بفهمید چقدر اطلاعات دارد و یا ارتباطش با او در چه حد است.
- اگر از دوست صمیمی او سوال می پرسید، خصوصیات دوستش را در نظر بگیرید چون دوستان از لحاظ بعضی خصوصیات شخصیتی به یکدیگر شبیه اند و خصوصیت دوستان صمیمی بیانگر شخصیت و روحیات حقیقی فرد است.
- در تحقیق از افراد، لزوم راستگویی و حساسیت این امر را گوشزد کنید و به فرد اطمینان دهید که این مطالب جایی بازگو نخواهد شد. در صورتیکه حرف های ضد و نقیضی شنیدید، همچنان به تحقیق خود ادامه دهید.

خصوصیات محقق

کسی که برای تحقیق می رود باید فردی پخته و زیرک باشد تا بتواند از بین سخنان منابع تحقیق به حقیقت دست یابد. انسانها معمولا نقاط ضعف و عیوب دیگران را به راحتی در اختیار طرف مقابل نمی گذارند و این کار تحقیق را با مشکل مواجه میکند. گاه منابع تحقیق بنا به مصلحت اندیشی و یا بیم از اطلاع یافتن فرد تحقیق شونده (مورد تحقیق) و ... اطلاعات را در اختیار محقق نمی گذارند و یا در لافاه و کنایه مطالبی را در اختیار محقق قرار می دهند.

بنابراین محقق باید با زیرکی خاص از لابه لای سخنان افراد و با کوشش در رفع ابهاماتی که در ذهن او نقش می بندد، به نتیجه گیری برسد. محقق می تواند از بین اقوام ، دوستان، و یا مشاوران مطمئن باشد. حتی می توانید در این امر از چندین نفر یاری بگیرید که هر یک بخشی از تحقیق را به عهده گیرند.

تحقیق اولیه به خصوص در مورد دختر خانم ها باید بگونه ای باشد که تا زمانی که هنوز اقدامی انجام نگرفته است نام او بر سر زبانها نیفتد. امانتداری و رازداری در این خصوص هم بر محقق و هم بر منبع تحقیق لازم و ضروری است. بدیهی است که در

مراحل اولیه ممکن است طرفین اصلا به توافق نرسند. لذا سزاوار نیست از همان ابتدا، ماجرا چنان پرجنجال در محله به گوش همه برسد که در صورت عدم توافق، سوء ظن و تهمت احتمالی، گریبان گیر فرد و خانواده ی او شود. بنابراین امر تحقیق را باید با ظرافتی خاص و با زیرکی و رعایت همه ی جوانب پیگیری نمود. رعایت این ظرایف در تحقیق از محل کار، تحصیل و فامیل نیز صادق است.

در این مورد به نکات زیر توجه داشته باشید:

- سعی کنید محقق را از بین صمیمی تری و خیر خواه ترین افراد نسبت به خودتان انتخاب کنید، چون هم از خصوصیات شما آگاه هستند و هم دلسوز.
- اگر به رازگویی و راستگویی محقق اطمینان نداشته باشید، این احتمال را باید بدهید که هر چه رشته اید پنبه خواهد شد.
- محقق باید مطالبی که در طی تحقیق متوجه می شود را فقط به فرد و خانواده اش بگوید و از بازگو کردن در جای دیگری خودداری کند ضمن آنکه نباید مطالبی را مصلحتا مخفی نگه داشته و به آنها نگوید، چراکه ممکن است با اطلاع از آن نظرشان برگردد.
- محقق باید قدرت سوال و جواب کردن را داشته باشد نه خجالتی باشد و نه پرحرف. اگر خجالتی باشد سوالی نمی پرسد و اگر پرحرف باشد اجازه ی پاسخگویی نمی دهد.

شیوه ی تحقیق

تحقیق در این مکانهای چهارگانه (محل زندگی، محل کار، محل تحصیل و فامیل) موجب همپوشی و تکمیل اطلاعات می شود. بنابراین اگر از یک منبع، اطلاعات منفی را دریافت کردید، باید با نظر گروه های دیگر نیز مقایسه کنید. مسلم است که شما متوجه می شوید کدام اطلاعات ناقص یا غلط است.

گاهی اظهارنظرهای منفی و گاه اظهار نظرهای مثبت، غلط از آب درمی آید. بنابراین نباید تحقیقات ناقص رها شود و تحقیق باید همه جانبه باشد.

نکته ی مهم آخر موضوع و سوالات تحقیق است. محقق باید سوالات ویژه ای را از پیش طراحی کند تا از پاسخ آن سوالات مقصود خود را کسب نماید و الا پاسخ منابع تحقیق بیشتر حالت کلی گویی و مبهم خواهد داشت.

به طور نمونه می تواند در شروع بپرسد: شما چند سال است با این خانواده همسایه هستید؟ مثلا پاسخ می گوید: ده سال. باز سوال شود: آیا در این ده سال درباره ی موضوع یا مساله ای از آنها رنجیده اید؟ همسایه پاسخ می دهد: البته بین هر همسایه ای گاه مشکلات و مسائلی پیش می آید. بله مساله ای داشته ایم اما چیز مهمی نبود! باز بپرسد: می شود بگویید آن چیزی که مهم نبود راجع به چه مساله ای بوده است و با معذرت خواهی و نرمش خاص، سوالات را همین طور ادامه دهد تا بفهمد آن چیزی که مهم نبوده چه بوده است. آنگاه در می یابد که اتفاقا همان نکته، خیلی هم در زندگی خانوادگی می تواند مهم باشد.

سوالات علی رغم جزیی شدن، باید به گونه ای باشد که جهت گیری در آن نباشد یعنی پاسخ دهنده، نظر تان را حدس نزند که بخواهد پاسخ را مطابق میل شما بدهد. مثلا اگر می خواهید خانواده ی مورد تحقیق شما مقید به حجاب باشند، چنانچه سوال خود را اینگونه مطرح کنید: آیا خانواده ی مقیدی هستند؟ در پاسخ شما چه در خواستگاری و چه در محله ی تحقیق پاسخ می دهند: بله ما هم که آدم های غیر مقید نیستیم. از این نوع سوال، آنها منظور شما را به صراحت می فهمند و مطابق با نظر شما پاسخ می گویند.

سوال خود را باید از جنبه ی مخالف بپرسد: مثلا بگوید: آیا در پوشش و حجابشان خیلی سختگیری دارند؟ با این سوال، فرد مقصود شما را درک نمی کند و نمی داند آیا شما علاقمندید حجاب محکمی داشته باشند یا خیر.

در مباحث سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید آنچه برای زندگی آینده شما مهم است، موضوع تحقیق قرار گیرد.

طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هنگام انتخاب همسر به وضعیت اخلاقی و رفتاری برادر و خواهرهایش بنگرید، زیرا که زنان همانند برادر و خواهر خویش، فرزند می آورند. از این حدیث می توان ضرورت تحقیق از خانواده ی فرد را فهمید.

در کشور ما خانواده نقش اساسی و واقعی را در ازدواج ایفا میکند. نمیتوان گفت: من کاری به خانواده ی او ندارم. پدرش هر طوری می خواهد باشد، به من مربوط نیست. این برداشت غلطی است. خانواده در زندگی شما اثر مستقیم و غیرمستقیم زیادی خواهد داشت.

گاه از سر بی حالی و سهل انگاری در خصوص خانواده ها تحقیق صورت نمی گیرد و میگویند ما توکل به خدا کردیم. این سخن غلطی است که انسان کم کاری خود را پای توکل به خدا بگذارد و یا بجای تحقیق از استخاره یاری بگیرد.

نکات مهم در تحقیق

- محقق می تواند با موضوع دیگری غیر از ازدواج سوالاتی بپرسد و سپس موضوع را به صورت مستقیم بیان کند.
- برایتان مهم باشد که بدانید پسر روزیش را از راه حلال بدست می آورد یا نه .
- از محقق بخواهید از دوستان او راجع به خصوصیات اخلاقی و روحی او سوال کند. از علایق او بپرسد.
- سوال کنید چقدر با همسایگان ارتباط دارند و اینکه بیشتر چه چیزهایی برایشان مهم است.
- فرد را از دوستانش بشناسید. فراموش نکنید او کسی را برای دوستی انتخاب کرده است که از لحاظ شخصیتی و مذهبی تا حدی هم جهت با او است.
- در تحقیق باید سوالات را طوری مطرح کرد که جواب بله و خیر نباشد و نیاز به توضیح داشته باشد.
- موضوعاتی که برایتان اهمیت بیشتری دارد، به محقق تاکید کنید و از او بخواهید اهمیت موضوع را بروز ندهد.
- اگر در گفتگو با افراد مختلف به تناقضی رسیدید تحقیق در آن زمینه را با دقت بیشتر و به دور از حساسیت ادامه دهید.

- توصیف خودش را با توصیف دیگران از او مقایسه کنید تا ببینید چقدر توصیف از خودش واقعی است و می توان به حرفهایش اعتماد کرد.
- بعضی از سوالات مشترک اند. می توانید جهت اطمینان آنها را از همه بپرسید ولی سوالاتی هستند که فقط عده خاصی جوابگو هستند.
- حالات شخص را در محیط های مختلف بررسی و آن را با گفته هایش در جلسات خواستگاری مقایسه کنید.
- وجود بیماری خاص یا اعتیاد فرد با تحقیق راجع به پرونده پزشکی او روشن می شود. اگر یکی از دوستان، همکاران و یا فردی از خانواده یا فامیل او معتاد بودند، زنگ خطری است برای احتمال به اینکه او نیز معتاد باشد پس با تحقیق بیشتر باید در این مورد اطمینان حاصل کرد.

سوالات تحقیق

در این قسمت نمونه ای از سوالات به تفکیک موضوعات ارائه شده است:

از: دوستان، خانواده

راجع به: هدف از ازدواج، برنامه آینده زندگی

- آیا در مورد آینده زندگی خود (خانوادگی، تحصیلی، کاری) برای شما صحبت کرده است؟
- فکر می کنید برای چه می خواهد ازدواج کند؟

از: خانواده، دوستان، محل تحصیل (اساتید، همکلاسان)، همکاران و کسبه، همسایگان، فامیل

راجع به: اعتقادات مذهبی و میزان پایبندی به آنها

- آیا تا به حال نماز خواندن او را دیده اید؟ چقدر به نماز اهمیت می دهد؟
- حجاب او را چگونه می بینید؟

از: خانواده، فامیل، همسایگان

راجع به: اخلاق خانوادگی

- صفت بارز اخلاقی او در خانواده چیست؟ چه صفات خوبی در او می بینید؟
- کدام اخلاق خویش شما را جذب کرده است؟
- صفات بد او چیست؟
- حساسیت های او در رابطه با خانواده اش چیست؟ از چه اخلاقی بدش می آید؟

از: دوستان، محل تحصیل، همکاران، همسایگان

راجع به: اخلاق فردی- اجتماعی

- رفتار اجتماعی او را چگونه می بینید؟
- از صفات اخلاقی کدام موارد را در او بیشتر می بینید؟
- در چه مواقعی عصبانیت او را دیده اید؟
- با چه کسانی (دوستان) بیشتر رفت و آمد دارد؟ (چه تیپ افرادی)

از: دوستان، همکاران، خانواده

راجع به: وضعیت اقتصادی او

- آیا از میزان درآمد او اطلاع دارید؟ آیا از کار و درآمدش راضی است؟
- پول هایش را بیشتر در چه مواردی خرج می کند؟
- مراسم عروسی را دوست دارد چگونه برگزار کند؟
- وضعیت مسکن او چگونه است؟

از: خانواده، دوستان، فامیل

راجع به: توانمندی ها

- چقدر دختر و پسر را برای اداره زندگی توانمند می دانید؟ (وظیفه شناسی، قبول مسئولیت زندگی)
- پیروزی های او در زندگی چه بوده است؟ چقدر او را موفق می دانید؟ الگوی او در زندگی موفق چه کسانی هستند؟

➤ بهترین انتخاب

بهترین انتخاب انتخابی است که :

- ✓ صرفاً بر اساس احساسات و علاقه ی زودگذر نباشد
- ✓ همه جانبه باشد
- ✓ همراهی و پشتیبانی خانواده را با خود داشته باشد
- ✓ در حال اضطرار و توأم با عجله نباشد
- ✓ هیچ جبر بیرونی و درونی در آن نباشد.
- ✓ بی اختیار نباشد
- ✓ سطحی نباشد
- ✓ با نگاه به آینده باشد
- ✓ با طیب خاطر باشد
- ✓ با مشورت همراه باشد.
- ✓ مبنا داشته باشد
- ✓ به وسواس نیفتد و بی گذار به آب نزند
- ✓ در آن عقل حرف اول را بزند و دل حرف آخر را تا آرامش بخش باشد.

✓ بهترین انتخاب انتخابی است از روی اراده، تفکر، مشورت، توکل و قلب.

بهترین انتخاب انتخاب فردی است راستگو، با وفا، امانتدار، محترم، اهل نماز، دور از گناه و دریک کلمه دیندار با تقوا و با ایمان «کسی که در دین خود پایدار و راضی به رضای خداوند باشد، تسلط بر خود داشته باشد، از گناه ناخشنود و مطیع خداوند باشد، کسب حلال داشته، خوش اخلاق و مخلص باشد، نماز اول وقت، توسل و محبت به اهل بیت و التزام به احکام دین و واجبات داشته باشد.